

گزارش "کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک" از برگزاری یادمان کشتار جانباختگان و زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و جانباختگان حوادث اخیر در ایران



از ساعت ۱۳ سالن را در اختیار گرفتیم و مشغول اجرای های دکور، نمایشگاه عکس و تنظیم سایر پیش بینی هایمان شدیم متأسفانه بعلت عدم همکاری مسئولین دانشگاه در تحویل یک سالن مجهزتر، ما سالنی را تحویل گرفتیم که سن مناسبی نداشت و مشکل امکانات صدا مشهود بود. با کمک رفقای کمیته از جوانان و باتجربه ها وسایل را جابجا کردیم و برای میزهای اطلاع رسانی، میزهای نشریات و کتابهای سازمانی و میزهای قهوه و ... کار را شروع کردیم. تزئین اصلی سالن آمفی تئاتر، عکسهای جانباختگان دهه ۶۰ و خیزش اخیر بر روی پارچه های سرخ و دیوار بود که توجه شرکت کنندگان را تا لحظه آخر بخود جلب کرده بود.

با مشکلی که در سالن وجود داشت، عملاً برنامه تئاترها و رقص ما حذف می شد ولی خوشبختانه حضور هنرمندان مردمی در آنجا این مشکل را برطرف کرد.

ساعت ۱۶:۳۰ با ورود سخنرانان و شرکت کنندگانی از هلند و آلمان برنامه شروع شد.

در ابتدا در حالی که جمعیت منتظر اعلام برنامه از طرف مجری بود، عده ای از جوانان کمیته شروع به شعارنویسی بر روی بُرد آمفی تئاتر کردند. شعارهای نسل انقلابی ۵۷ همراه با شعارهای نسل رادیکال امروز. جمعیت منتظر بود تا ببیند چه معنی دارد این حرکات، صدای تیراندازی آمد، جوانان بر روی زمین افتادند و مجری با قطعه شعری کوتاه برنامه را آغاز کرد. این نمایش کوتاه یادآور مطالبات دو نسل شورشی و پاسخ یک سیستم جنایتکار بود.

بخش اول را با روایات زندانیان سیاسی رژیم پیش بردیم. پیروز از خاطرات خود در زندان، رفقای جانباخته و حماسه آنها در لحظات آخر و سالهای اسارت گفت، حرفهایش گاهی با بغضی سنگین قطع می شد. جمعیت بشدت متأثر روایت پیروز بود ولی وی در پایان همه را به ادامه راه طی نشده عزیزان دهه ۶۰ و ارتقاء راه مبارزات نسل امروزی فراخواند. پس از پیروز؛ یک روایت خانوادگی ارائه شد.

فیلم کوتاهی از صحبتهای ایمان -فرزند یکی از جانباختگان دهه ۶۰- نمایش داده شد. بقدری تصاویر فیلم ایمان جمعیت را تحت تأثیر قرار داد که مادر و مادر بزرگش که سخنرانان بعدی بودند نیز آنها را پذیرا شدند. حرفهای ایمان آکنده از رنج فرزندان جانباختگان بود و روح مبارزه جویی و ادامه مبارزه برای آزادی در هر جمله آن وجود داشت. ایمان همزمان در سوئد برنامه داشت و نتوانست ما را با حضور خودش همراهی کند. سوسن مادر ایمان صحبتهایش را با صلابت آغاز کرد. هر سخنی که از پلیدی زندانهای رژیم و شکنجه های روا شده بر خودش و ایرج -همسرش- می گفت، رهنمودی از مبارزه و مقاومت رفقای جانباخته اش را هم پشت بندش می کرد. حرفهای سوسن بجای اینکه ما را با روایت یک زندانی سیاسی همراه کند، فضایی از مقاومت را ترسیم کرد. اشرف مادر سوسن و مادر بزرگ ایمان زنی با تجربه زندانهای رژیم شاه و جمهوری اسلامی بود که همچنان حاضرین را به عنوان رفیق و فرزند به مبارزه بر علیه ستم و هر نوع ستمی دعوت می کرد. اشرف عزیز از تجربیات جدیدی از زندان و بند زنان هم سخن گفت که برای ما و حداقل برای نسل جوان حاضر در برنامه بسیار مهم و عجیب بود. بعد از اشرف، رفیقی از هلند بنام اکرم روایت خودش را از سالهای زندان و دوران شکنجه و سپس آزادی و جدایی از رفقای جانباخته گفت. اکرم از محدود بازماندگان دوران سیاه زندان است که توانسته تا حدی تجربیات شخصی اش را ثبت کند. وی کتابی با چند بخش متفاوت از دوران زندان نوشته که در دو مرحله آنرا معرفی کرد و برای حاضرین توضیح داد که اینرا بخاطر قولی که به رفیق جانباخته ای داده نوشته است.

در این قسمت پیام و سخن "کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک" توسط شروین از فعالین جوان ما ارائه شد. این سخن اشاره مستقیم به هم سرنوشتی خانواده های جانباختگان دهه ۶۰ و قتل های زنجیره ای و جانباختگان حوادث اخیر داشت. کمیته به اینکه سیستم حاکم همان است که نیروهای متشکل بعد از انقلاب را به زندان افکند و آنها را اعدام کرد و امروز هم جوانان و مردم سازمان نیافته و دانشجویان را به خاک و خون می کشد. سیستمی که بنام سلام در رنگهای مختلفش توان سرکوب مردم را در شکلهای مختلف دارد.

با توجه به مشکل صدا، ولی برنامه در بخش دوم هم خوب پیش رفت. بخش بعدی برنامه با هنرنمایی رفیق محمود پی گرفته شد که قطعات کوتاهی را با گیتارش برای ما اجرا کرد. تیکا و میترآ از دوستان جوان کمیته هم به شعرخوانی پرداختند و فضای جدیدی را برای ادامه برنامه فراهم کردند.

بعد از استراحت نوبت به برنامه بصیر نصیبی رسید. بصیر در ابتدا تجربیات سالیان دراز مبارزات خودش در قالب هنرمندی متعهد را با مثالهایی زنده از خیزش اخیر توأم کرد و با نکات سیاسی مهمی که روشن می کرد، حاضرین را با فرمول بندی های هنری و جدیدی از اوضاع اخیر آشنا می کرد. بیان زنده و همراه با طنز بصیر به حاضرین انرژی زیادی برای دنبال کردن برنامه ها می داد. بصیر در قسمت دوم برنامه اش به معرفی دو فیلم پرداخت که از دستاوردهای مهم سینمای در تبعید درباره موضوع زندان و زندانی هستند. فیلم های "درخت بیاد می آورد" و "یک نمای ساده" که با توضیحات وی در حین اجرای قطعاتی از آن، بسیار تأثیرگذار بودند. رادیوهای اپوزیسیون در تبعید از روز قبل این برنامه را دنبال کردند و مصاحبه هایی با چند نفر از اعضای کمیته انجام دادند که با پخش برنامه تلویزیونی دوشنبه شب پوشش خبری این یادمان بخوبی انجام شد. رادیو و تلویزیون RTBF بلژیک که شعبه ای از یک شبکه اروپایی است و در کشورهای مختلف بسیار پربیننده است، مصاحبه ای با دو تن از فعالین کمیته انجام داد که در برنامه ساعت ۱۹:۳۰ بلژیک پخش شد و تلفیق تصاویر مبارزات اخیر مردم ایران هم آنرا پربارتر ساخت. تجربه موفق را برای اولین بار و البته در این سطح در کشور بلژیک شاهد بودیم و امیدواریم همانطور که در پایان برنامه توسط مجری اشاره شد، بتوانیم با تلفیق مبارزان جوان و مبارزان نسل گذشته؛ فضای پرشورتری را برای اتحاد در برابر دشمنان مردم و هر نوع ستمی در ایران و ابعاد بین المللی ایجاد کنیم. میزهای اطلاع رسانی که با نشریات و کتابهایی مربوط به موضوع یادمان تدارک دیده شده بود هم بازدید کننده خوبی داشت و دوستانی از سی دی ها و کتابهای عرضه شده خریداری کردند تا ضمن تهیه مورد دلخواه خود، همبستگی خود را با ما نیز نشان دهند. میزی هم از رفقای بلژیکی حاضر در برنامه وجود داشت که فضای بیرون سالن را جذابتر کرده بود. از تمام رفقای ایرانی شرکت کننده از بلژیک و هلند و آلمان و رفقای غیر ایرانی حاضر در برنامه کمال سپاسگذاری را داریم.

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران – بلژیک ۲۰۰۹-۰۹-۱۴